

مرفق شدن بمشاهده وحدت صرف در حق محض و غیرمادی
 ولذت سردی متحقق شود **نظم** آن یار که در پرده اسرار
 نهان بوده از علم یقین اند و از گوش باغوش اینتر بلند
 ترین مراتب کمال است و از پنجه است که حکما از افوق
 مراتب سعادت انسانی اعتبار کرده اند چرا که تمام است
 از آثار قوی طبیعی و نفسانی و غیر تعلقات جسمانی صافی که
 جمال این کمال رخ نماید و تا سالک از خودی خود که ابعده
 منازل و اسحق مراحل است گذر و بساحت وصال نزدیک
نظم وصال دوست طلب میکنی ز خود بگذر که در میان بود
 بجز تو خایل نیست **نظم** کویند سعده دولت وصال از جریافتی
 خود را گذاشتم قدیمی پیشتر شدم و در سطر طالیس گفته
 چون ضایعی تعالی کسی او دوست دارد و تقا بد او کند چنانکه
 دوستان تقا بد مصالح دوستان کنند در اخلاق با صری
 می آرد و گراین لفظی است که در لغت ما اطلاق میکنند و این سخن
 ظاهر نیست بر نظایران هر کتاب و سنت بسیار است و

و هو یسئو الصالحین و حسبنا الله و نعم الوکیل و در حد
 قدسی زیاده ازین وارد است چنانچه فرموده **فانما**
فاذا ائینت کنت سمع و بصره الی آخر الحدیث و در حدیث
 دیگر من اجبتی قتلک و من قتلک فعلی دینه و من علی دینه
فانما دینه و هم در سطر طالیس گفته اند که بهمت آدمی
 انشی بود و اگر چرا او انشی است و نه آنکه بهمت حیوانات
 مرده راضی شود و اگر چه عاقبت او هر گسست بلکه مجموع قوی با
 صرف کسب حیوه الهی کند چرا که بجهت خود است بجهت بزرگت
 و بعقل شریف و عقل از سر مخلوقات اشرف است چرا که جوهر است
 مستولی بر همه چیز با امر الهی و تحقق کلام در بنیقام است که
 باطنی اصحاب نظر و برهان و اتفاق ارباب شهود و عیا
 نخستین گوهری که با هر کس فی کون بوسیله قدرت دارد
 چون از دریای غیب مکنون بساحل شهادت آمد جوهری
 بسط نوازی بود که بعرف حکما از عقل اول خوانند و
 بعضی اخبار تغییر از ان بقلم اعلی رفته و کار ایزد گشته و تحقیق